سنگ نوشته تاریخی مسجد جمعه اصفهان که در بهار سال 1340 خورشیدی کشف شد و کتیبه آن برای اولین مرتبه انتشار می یابد

هنرفر، لطف الله

ضمن اقداماتی که در بهار سال 1340 خورشیدی بمنظور لاروبی از مجرای‏ زیرزمینی مسجد جمعهء اصفهان بعمل آمد مقابل محراب گچ‏بری واقع در ضلع جنوبی‏ دالان ورودی فعلی(دالان شرقی مسجد جمعه)لوحی از سنگ سفید بطول 21 ر 1 متر و عرض 83 سانتیمتر که در قسمت فوقانی مجرای آب قرار داشت بدست آمد.مضمون‏ این لوح سنگی حاکی از آنست که در دورهء شاه طهماسب اول دومین پادشاه از سلسله‏ صفویه بنده درگاه(امیر اصلان بن رستم سلطان لله افشار ارشلو)در ملازمت شاهزاده‏ عالمیان سلطان احمد میرزا فرزند شاه طهماسب در شهر اصفهان اقدام بحفر نهری‏ نموده و آب مباح بمسجد جامع آورده و آنرا قربة الی اللّه تعالی وقف بر مسجد جمعه‏ اصفهان نموده است.

کتیبه سنگ‏نوشته مزبور که برای اولین مرتبه بوسیلهء نگارنده این مقاله منتشر میشود شامل عباراتی بخط ثلث برجسته و اشعاری بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است:1

«بیمن توفیق ربانی و تأیید سبحانی در زمان دولت خاقان الاعدل الاعظم‏ مالک رقاب الامم مولی سلاطین العرب و العجم السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه طهماسب بهادر خان خلد اللّه ملکه و سلطانه در ملازمت شاهزاده عالمیان نور حدیقه‏ امن و امان بو النصر سلطان احمد میرزا2بنده درگاه امیر ارصلان بن رستم سلطان‏ (1)-نقل از کتاب«گنجینه تاریخی اصفهان»تألیف نگارنده که بزودی انتشار خواهد یافت.

(2)-فرزند نهم شاه طهماسب سلطان احمد میرزا بوده است که حضرت شاه او را سلطان احمد بغدادی خطاب میفرمودند.والده او از جمله جواری بود و در هنگام رحلت‏ آن حضرت 13 ساله بود.امیر اصلان سلطان ارشلو افشار لله میرزا بود،چندگاه او را در اصفهان نگاه میداشت و در آن حین حسب الامر باردو آورده در خدمت پدر نامدار معزز و گرامی بود.چون طایفه افشار مخصوصا(ارشلو)در سلک هواخواهان اسمعیل میرزا بودند او نیز بتبعیت از لله تابع آن حلقه بود.در زمان اسمعیل میرزا او نیز بطریق سایر شهزادگان راه‏ عدم پیمود(جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه 135(

الله افشا ارشلو1 از زنده‏رود اصفهان حفر نهری نموده آب مباح بمسجد جامع‏ آورده وقف کرد قربة الی اللّه تعالی بر عموم خلایق و کافه ناس و بر مسجد جامع‏ مذکور مجری و ممر آب مزبور را که این بند تحت بند نهر ظهر است آنرا بلافاصله‏ مع التوابع و اللواحق وقفا مخلدا مؤبدا باین وجه که مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محفوظ باشند و چون از مسجد خارج شود بهر محل که جاری شود منافع‏ آنرا بمصرفی که در وقفیه مسطور است صرف نمایند و شرط نمود که باشراف و نظارت‏ حضرت افادت و افاضت پناهی شیخ الاسلامی زینا علیا2منشار خود بنفس نفیس و بعد از آن حضرت ارشد اولاد ذکود صلبی آنحضرت نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب‏ متولی وقف مزبور بوده و بنظارت تولیت چنانچه در وقفیه مسطور است قیام و اقدام‏ نمایند و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب بباغات و مزروعات‏ نبرد و بغیر از طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای حضرت شیخ الاسلامی که‏ در بردن آن...»3

در ذیل این لوح اشعاری نیز بخط نستعلیق برجسته نوشته شده است که‏ قسمتهائی از آن بمرور زمان محو شده و آنچه باقی مانده است بشرح زیر میباشد:

آفاق بفرشه دین‏دار جهان جو چون صورت مینا شده و روضه مینو بر خاکر درش سجده کنانند چو خورشید ....رخ بنهد رو

4 (1)-معظم طایفه افشار در درگاه شاه طهماسب امیر اصلان سلطان ارشلو بوده‏ است که از امراء بزرگ افشار و صاحب جیش و لشکر بسیار و لله سلطان احمد میراز بود (جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه 140)

(2)-شیخ علی منشار:وی عرب فاضل فقیه و شاگرد رشید مجتهد مغفور شیخ علی‏ عبد العالی بود.در مسئله شرعیه اجوبه فتاوی قولش معتبر و موثوق.در انتظام امور شرعی و عرفی صایب رای و سرآمد اقران بود و انوار توجه و التفات حضرت شاه جنت مکان بروجنات‏ احوالش تافته بمنصب شیخ الاسلامی و وکالت حلالیات دار السلطنه اصفهان که معظم ممالک و بلاد مشهوره آفاق است منصوب گشته و در آن مهم کمال استقلال یافته در تنظیم معاملات دینی و دنیوی آن ملک و رفع تسلط و تعدی ید بیضا مینمود(جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی صفحه 154(

(3)-قسمت آخر این کتیبه محو شده است.

(4)-علامات(نقطه‏چین)معرف قسمتهائی از سنگ‏نوشته است که بکلی محو شده

صفه صاحب(ایوان جنوبی مسجد جمعه اصفهان)بنای دوره سلجوقی‏ یا تزیینات کاشیکاری از دوره حسن بیک ترکمان و پادشاهان صفویه

بر درگهش آن بنده که منظور نظر هست‏ در حکم سکندر شد و... ...افشار آنکس للگی داد شهنشاه هنرجو از رود صفاهان بسوی مسجد جامع‏ ...روان کرد یکی جو این کار نیامد ز خدابنده و غازان‏ وین آب نیاورد... تاریخ...گفت‏ آب ملک اصلان بیک سلطان ارشلو

1 (1)-مصراع آخر این اشعار(آب ملک اصلان بیک سلطان ارشلو»بحساب حروف‏ ابجد سال 984 هجری میشود که مصادف با آخرین سال سلطنت شاه طهماسب اول است.